

ارائه الگوی توسعه اقتصادی مبتنی بر فرهنگ اسلامی کشورهای همجوار حوزه خلیج فارس

سمیه زارعی^۱، مریم پویا^۲

۱- پرسنل شاغل در آموزش و پرورش ناحیه ۲ بندرعباس

۲- پرسنل شاغل در آموزش و پرورش ناحیه ۲ بندرعباس

چکیده

فرهنگ همگرایی زمینه ساز توسعه اقتصادی کشورهای منطقه است و اسلام می تواند همگرایی فرهنگی و به تبع آن توسعه روابط اقتصادی را فراهم کند. نظر به اهمیت موضوع، تحقیق حاضر با هدف ارائه الگوی توسعه اقتصادی مبتنی بر فرهنگ اسلامی صورت گرفته است. این مطالعه از نظر هدف یک تحقیق کاربردی است که در کشورهای همجوار حوزه خلیج فارس انجام شده است و از منظر گردآوری داده ها یک تحقیق توصیفی-پیمایشی می باشد. براساس ادبیات تحقیق و مبانی نظری موجود گویه های متعددی شناسایی شد و سپس با استفاده از محاسبه CVR در نهایت ۳۳ معیار برای الگوی توسعه اقتصادی شناسایی شد. نتایج نشان داد ابزار گردآوری داده از نظر روایی محتوایی از اعتبار کافی برخوردار است. جامعه آماری این مطالعه خبرگان و اساتید دانشگاهی حوزه اقتصاد می باشند و نمونه ای به حجم ۳۰ نفر به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شده است. برای پاسخ به پرسش های تحقیق، از تکنیک دیمتل و رویکرد ساختاری-تفسیری استفاده شده است. نتایج نشان داده است شاخص های فرهنگی با تغییر الگوی روابط و اگرای کشورهای منطقه و جایگزینی الگوی همگرایی می توان زمینه ساز رشد و توسعه اقتصادی شود. تمرکز بر وجوه فرهنگی مشترک بویژه مبتنی بر آموزه های اسلامی توان بالقوه ای را در منطقه ایجاد کرده است که با در دست داشتن یک الگوی استراتژیک فرهنگی بالفعل کردن این توان دور از دسترس نیست. براساس نتایج و دستاوردهای این تحقیق مبرهن است فرهنگ اسلامی زمینه لازم برای جلوگیری از انشقاق در منطقه را فراهم خواهد کرد و در این زمینه مستعد می توان اهداف توسعه اقتصادی را برای کشور و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس فراهم آورد.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، فرهنگ اسلامی، همگرایی، کشورهای خلیج فارس

- مقدمه

به طور قطع سیاست، اقتصاد، پیشرفت های علمی، اجتماع و فرهنگ نه تنها تحت تاثیر یکدیگر هستند بلکه در بسیاری از مواقع همپوشانی نیز دارند. فرهنگ مجموعه ای از بینش ها و کنش ها، اعتقادات و رفتارها در طول تاریخ یک جامعه است که از نسلی به نسل دیگر در آن جامعه منتقل می شود. اقتصاد در زندگی انسان شامل همه فعالیت ها و معامله هایی است که مربوط به زندگی مادی انسان می شود. رابطه بین فرهنگ و اقتصاد یک رابطه دو سویه است که بر یکدیگر تاثیر شدیدی دارند (قیاسی و همکاران، ۱۳۹۳). شناخت محیط پیرامونی و تحلیل ژئوپلیتیک کشورهای همسایه از مهم ترین عواملی است که در راستای برقراری و گسترش روابط دو جانبه باید مد نظر قرار گیرد. جمهوری اسلامی ایران برای اینکه بتواند بر چالشها و تنگناهای پیرامونی غلبه، و چالش و رقابت های ناسازگار ژئوپلیتیکی را به همکاری تبدیل کند، در محله نخست نیازمند مطالعه دقیق ژئوپلیتیک کشورهای منطقه و شناخت آن ها است (محرابی و اقتدار نژاد، ۱۳۹۳). بنابراین در ساختار پیچیده ژئوپلیتیکی جهان قرن بیست و یکم، کشورها خود را جدای از سیستم و نظم حاکم بر نظام بین الملل نمی دانند و منافع آنها همواره به هم وابسته است. لذا این وابستگی در نهایت منجر به نوعی همکاری و درک متقابلی از منافع مشترک می شود. ازاینرو دولت ها سعی می کنند از مجاری فرهنگی در شکل همکاری های منطقه ای و جهانی